

## تشکلات نفتگران در انقلاب ۱۳۵۷

غرض از این نوشته، بررسی کوتاهی در ارتباط با چگونگی سازمان یابی نفتگران در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۵ می باشد. تا از این رهگذر بتوان به نقاط قوت و ضعف جنبش تشکلی یابی کارکنان صنعت نفت در يك مقطع گذار پی برد و با توجه به آن تجربه از اشتباهات گذشته پرهیز نمود. در ابتدا بشکل خیلی فشرده به سازمان یابی تشکلات و حرکت کارکنان صنعت نفت در شمال کشور اشاره ای خواهم داشت. آنگاه به چگونگی مبارزات نفتگران در جنوب کشور می پردازم و در نهایت نقاط ضعف این حرکت سرنوشت ساز را در حد توان بررسی می کنم.

ارائه این نوشته بعنوان الگو برداری، دستور العمل و یا تطبیق آنها به هر شرایطی نیست. چرا که نحوه سازمان یابی هر حرکتی را خود آن حرکت با توجه به مکانیسم های درونی خود و شرایط مشخص موجود تعیین می کند، نه کپی برداری از الگوهای حرکات گذشته. بنابراین توجه به این تجربیات صرفاً بخاطر آگاهی نسل جدید نفتگران از حرکت همکاران خود در آن مقطع، برای آگاهی بیشتر جهت چگونه بهتر پیش بردن مبارزات آتی با اشتباهات و لغزشهای کمتر است و نه چیزی بیش از این.

### شکل گیری مجدد سندیکای کارگران پالایشگاه تهران

پس از ضربه خوردن تشکل کارگران پالایشگاه تهران، اعلام انحلال آن از طرف وزارت کار و جلوگیری از ایجاد اتحادیه کارگران نفت شمال در سال ۱۳۵۳، و محروم کردن ۵۰ نفر از کارگران فعال و مبارز از حقوق اجتماعی خود توسط ساواک، وقفه ای دو ساله در سازمان یابی کارگران بوجود آمد. در سال ۱۳۵۵ با فعالیت مستمر تعداد دیگری از کارگران، سندیکای پالایشگاه مجدداً سازماندهی شد. طی دو سال همین منتخبین توانستند روحیه از دست رفته کارگران را بخاطر ضربه سال ۵۳ بازسازی کنند و کارگران را حول خواسته های اقتصادی و رفاهی از جمله مسئله مسکن که در آنوقع از مشکلات اساسی کارگران بود بسیج نمایند

مجمع عمومی کارگران در تیر ماه ۱۳۵۷ برگزار شد، آنها تصمیم گرفتند طی نامه ای از مسئولین بخواهند که برای رفع مشکل مسکن کارگران اقدامات فوری انجام دهند. در این نامه برای حل مشکل مسکن يك وقت دو ماهه به مسئولین داده شد و قید گردیده بود که چنانچه به این موضوع رسیدگی نشود در تاریخ ۱۷ شهریور کارگران فاقد مسکن با خانواده در جلو پالایشگاه چادر خواهند

زد. تا این مقطع نفتگران بشکل فردی در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و درگیری‌های خیابانی شرکت می‌کردند.

بنابر تصمیم قبلی، عصر روز جمعه ۱۷ شهریور ۲۰۰ نفر از کارگران و خانواده آنها که جمعاً بیش از ۷۰۰ نفر بودند در جلو پالایشگاه و در محل پارکینگ اقدام به برپایی چادرهای خود نموده و در آنجا اسکان یافتند. شروع حرکت سازمان‌یافته کارگران با کشتار مردم در سطح کشور بخصوص در میدان ژاله تهران، که زیر نظر مستقیم شاه و مشاوران آمریکایی او به پیش می‌رفت، مصادف شد. فرمانده حکومت نظامی شهر ری و افراد دیگری ضمن حضور در محل تجمع کارگران از آنها خواستند که چادرها را جمع کرده و به این موضوع خاتمه دهند. چون این خواسته نظامیان با بی‌توجهی کارگران روبرو شد، در ۱۸ شهریور ساعت ۱۲ شب فرمانده نظامی شهر ری همراه با دو تانک و چندین خودرو ارتش در محل حاضر شدند. فرمانده حکومت نظامی ضمن دادن اولتیماتوم از کارگران خواست که در مدت ده دقیقه چادرها را جمع کنند و به نظامیان دستور داد که اسلحه‌های خود را به طرف کارگران و زن و بچه‌های آنها نشانه گرفته و پس از ده دقیقه به جمع شلیک کنند. قبل از پایان فرصت طناب چادرها توسط نظامیان پاره شد. چادرها روی سر آنها فرود آمد و نظامیان شروع به جمع آوری چادرها نمودند. سپس کارگران و خانواده آنها را گروه، گروه سوار بر خودروهای ارتشی نمودند و در نقاط مختلف شهر که در آنموقع حکومت نظامی بود رها کردند. حرکت نظامیان نه آنکه هیچگونه خللی در روحیه کارگران بوجود نیاورد، بلکه باعث تقویت همبستگی و اراده مصمم آنها برای ادامه مبارزه گردید، فردای آن روز یعنی ۱۹ شهریور تمامی کارگران پالایشگاه جهت اعتراض به عمل نظامیان جلو پالایشگاه متحصن شدند و اعلام اعتصاب نمودند، در این مقطع کارمندان نوبتکاری مشغول کار بودند و پالایشگاه به تولید خود ادامه می‌داد. کارگران بدرستی می‌دانستند تا زمانی که کارمندان به جمع اعتصابیون نپیوندند و تولید متوقف نگردد، حرکت آنها تأثیر مورد دلخواه را نخواهد گذاشت و ضربه‌پذیری رژیم را به حداقل خواهد رساند.

برای توضیح نکته فوق لازم است مقداری به گذشته برگردیم و پیشینه موضوع را در نظر داشته باشیم. قبل از راه اندازی پالایشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، چون در پالایشگاه آبادان کارکنان نوبت کاری و مسئولیت دستگاه‌های تولید بعهد کارگران بود، در هنگام اعتصاب تولید متوقف می‌شد و ضربه اقتصادی سنگینی به رژیم وارد می‌گردید. با درس آموزی از وضعیت پالایشگاه آبادان و جلوگیری از توقف تولید در مواقع اعتصاب، مسئولین نفت و دکترا اقبال طرح کارمند بودن کارکنان نوبتکاری و مسئولین دستگاه‌های تولید را در پالایشگاه تهران و پس از آن در سایر پالایشگاه‌ها به

مرحله اجرا گذاشتند. بر مبنای این طرح تمامی مسئولین نویتکاری دستگاه‌های تولید بعنوان کارمند نفت به استخدام در آمدند. تنها در هر قسمت چند کارگر با تجربه و قدیمی نویتکار جهت آموزش و سرپرستی تولید بکار مشغول بودند که به مرور زمان با بازنشسته شدن آنها همه امور تولید بر عهده کارمندان قرار داده شد.

در اساسنامه و قرار داد استخدامی کارمندان نفت ماده ای وجود دارد که کارمند بعنوان نماینده کارفرما و دولت در محیط کار محسوب می‌شود. کارمندان حق ایجاد هیچگونه تشکل را نداشته و مسئولین نفت می‌توانند در هر زمان بدون هیچ گونه توضیحی به کار آنها پایان دهند. بر مبنای قانون کار گذشته، وزارت کار نیز در قبال کارمندان نفت هیچ گونه مسئولیتی نداشت. آنها اصولاً تابع قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی وزارت کار نیستند و قوانین وزارت نفت که در اساسنامه این وزارت خانه آورده شده در مورد کارمندان قابل اجرا است.

بنابراین کارمندان که عده ای از آنها دستمزدهاشان حتا از بخشی از کارگران کمتر است نیز عملاً خود را نماینده دولت و کارفرما در محیط کار به حساب می‌آوردند و همواره بین کارمندان و کارگران درگیری‌هایی بوجود می‌آمد و مسئولین نفت نیز به طرق مختلف به این درگیری‌ها دامن می‌زدند. طبق قوانین نفت یک کارگر بدون چون و چرا بایستی دستور کارمند را بمرور اجرا بگذارد. اگر در این مورد اعتراضی داشت در مرحله اول بایستی اعتراض خود را به همان مسئول اعلام کند و در صورت راضی نشدن بعد از آن می‌تواند به مسئول بالاتر مراجعه نمایند. یعنی سلسله مراتب ارتشی در محیط نفت حاکم بود.

در گذشته وقتی کارگران پالایشگاه تهران دست به اعتصاب می‌زدند عملاً در تولید وقفه‌ای بوجود نمی‌آمد. گرچه اتحاد کارگران برای رژیم مسئله بود ولی چون به تولید ضربه‌ای وارد نمی‌شد، مسئولین توجه لازم را به خواست کارگران نمی‌کردند. بهمین دلیل در سال ۱۳۵۲ کارگران تصمیم گرفتند که در زمان تعمیرات کلی پالایشگاه که کلیه دستگاه‌ها برای تعمیرات از کار باز ایستادند، دست به اعتصاب بزنند. لذا طولانی شدن مدت تعمیرات و شروع به بازتولید فرآورده های نفتی ضربه بزرگی بر اقتصاد رژیم وارد کرد، اعتصاب سال ۵۲ باعث شد که کارگران به بیشتر خواسته‌های کوتاه مدت خود دست یابند. ولی در عوض سندیکا منحل، تعدادی دستگیر و زندانی و بخشی از حقوق اجتماعی محروم شدند.

با توجه به چنین مسئله حیاتی، مسئولین سندیکا دو موضوع را در دستور کار خویش قرار دادند. در مرحله اول تصمم گرفته شد که چند نقطه از مسیر نفت رسانی به پالایشگاه که نفت را از جنوب

کشور توسط لوله و تلمبه خانه‌هایی به مخازن پالایشگاه می‌رساند شناسایی شوند. تا در صورتی که مسئولین نظامی تصمیم گرفتند کارکنان را با کشتن چند نفر مجبور به ادامه کاری تولید کنند، این نقاط شناسایی شده منفجر گردد و نفت به پالایشگاه نرسد و تولید متوقف شود. که امکانات این عمل مهیا شد. اما ضرورتی برای منفجر کردن نقاط در نظر گرفته بوجود نیامد.

موضوع دوم چاره یابی برای پیوستن کارمندان به اعتصاب بود. برای تحقق این موضوع با تعدادی از کارگران کارمند شده تماس گرفته شد. قرار شد یکروز موقع نهار که کارمندان در رستوران جمع هستند، کارگران ضمن راهپیمایی در پالایشگاه بطرف رستوران بروند و آن تعداد از کارگران کارمند شده با شعارهایی به استقبال کارگران بیایند. در روز تعیین شده کارگران با شعار " کارگر، کارمند پیوندتان مبارک" ضمن راهپیمایی به رستوران نزدیک شده و کارگران کارمند شده با تکرار شعار در رستوران، به بیرون آمده و با کندن گل‌هایی از باغچه به استقبال کارگران شتافتند که این عمل باعث شد سایر کارمندان نیز به صف راهپیمایی بپیوندند. پس از راهپیمایی با جمع شدن در رستوران و سخنرانیهایی از روز بعد کارمندان به اعتصاب پیوستند و پالایشگاه از تولید باز ایستاد. از آنروز به بعد کارکنان صبح‌ها با اتوبوس‌ها به جلو پالایشگاه می‌آمدند و از آنجا به بهشت زهرا می‌رفتند. در آنجا پس از شرکت در قبر کنی برای کشته شدگان، ضمن راهپیمایی در بهشت زهرا و دادن شعارها و برگزاری سخنرانیهایی برای شرکت در راهپیماییها و پیوستن به صف تظاهرات به شهر می‌رفتند و همبستگی خود را با حرکت مردم اعلام می‌کردند.

با پیوستن کارمندان به صف اعتصاب، خواست ایجاد تشکیلی جدید کاملاً احساس می‌شد. چرا که لازم بود منتخبین کارمندان نیز در تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگ کردن حرکت دخالت مستقیم داشته باشند. بنابراین پس از تبادل نظرهایی "سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت" سازماندهی شد. که در اصل همان کمیته کارخانه و یا کمیته اعتصاب بود. این کمیته متشکل از منتخبین کارگران و کارمندان بود. برای ایجاد یک رابطه نزدیک با کارکنان و آگاهی آنها از چگونگی پیشبرد حرکت، تصمیم گرفته شد نشریه ای بنام سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت" انتشار یابد. این نشریه تا سال ۶۰ منشر می‌شد و مسائل و نظرات مختلف در آن درج می‌گردید.

با پیوستن کارمندان به صف اعتصابیون روحیه مبارزاتی کارکنان دوچندان شد. بر مبنای یک جمع بندی و برای هماهنگ کردن و پذیرش حرکت از طرف کارکنان در ابتدا با نظرخواهی از آنها خواسته‌های صنفی آنها جمع‌آوری شد و طی نامه‌ای به مسئولین نفت داده شد. پس از پذیرش این خواسته‌ها از طرف انصاری رئیس هیات مدیره وقت، ضمن هماهنگی با منتخبین کمیته‌های مخفی

اعتصاب در جنوب کشور، ۵ خواسته سیاسی مطرح گردید،

۱- لغو حکومت نظامی. ۲- انحلال ساواک ۲- آزادی زندانیان سیاسی. ۴- متحقق شدن خواست فرهنگیان. ۵- محاکمه مسئولین کشتارهای اخیر. پس از آن ضمن يك راهپیمایی در پالایشگاه و بهشت زهرا با شعار، نفته کی بُرد، آمریکا، گاز کی بُرد شوروی، پولشه کی خورد، پهلوی، مرگ بر حکومت پهلوی"، کارکنان نفت شعار سرنگونی را سرلوحه عمل خویش قرار دادند و تا فرستادن رژیم سلطنت به گورستان متعفن تاریخ حرکتشان را ادامه دادند.

بنابراین تا اینجا با ابزار سندیکای زمان شاه و متحد کردن همه کارکنان نفت در شمال کشور با توجه به تحمیل ضرورت ایجاد يك تشکل نوین بر بستر حرکت، کارکنان کمیته‌های مخفی کارخانه و یا اعتصاب را زیر نام سندیکای مشترک سازمان دادند که سایر کارکنان بخشهای مختلف از جمله گاز و پتروشیمی و خطوط لوله و مخابرات. انبارهای نفت و قسمت پخش و ادارات مرکزی به این حرکت پیوستند. طی همین مدت حکم تیر نمایندگان منتخب از طرف حکومت نظامی صادر شد، تعدادی از نمایندگان دستگیر شدند که با توجه به تحصن کارکنان، حکومت نظامی مجبور شد آنها را با هلیکوپتر به محل تجمع بیاورد و آزاد کند. در همین مقطع تصمیم گرفته شد که مخازن و جایگاههای نفت از دادن مواد نفتی به ارتش و نظامیان خودداری کنند.

### بررسی حرکت نفتگران در خوزستان

تا شهریور ماه هنوز حرکت یکپارچه و سازمان‌یافته‌ای جهت پیوستن نفتگران به اعتصاب صورت نگرفته بود. مردم آبادان بخاطر آتش سوزی ۲۸ مرداد در سینما رکس به سوگ عزیزیان خود نشسته بودند. جهت هماهنگی در جهت پیشبرد حرکت قرار شد چند نفر از مسئولین کمیته مخفی نفتگران برای گفتگو با فعالین به جنوب سفر کنند. این عمل در مقطع راهپیمایی مردم آبادان جهت بزرگداشت واقعه سینما رکس بطرف قبرستان صورت گرفت. در قبرستان که جمعیت کثیری آمده بودند، دو نفر از مسئولین کمیته اعتصاب نفتگران و دو نفر از فعالین جنوب و همچنین دو نفر از خانواده کشته شده گان سینما رکس صحبت کردند و جمعیت با سردادن شعارهایی بطرف شهر راهپیمایی کردند. در بدو ورود به شهر (محل بوارده) نظامیان سلطنت بطرف مردم آتش گشودند که چند نفر زخمی شدند.

پس از این مرحله طی نشست‌هایی سازماندهی جهت اعتصاب کارکنان نفت در جنوب در دستور کار فعالین قرار گرفت. برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب فهرست وار به موقعیت تاکنونی مبارزات در

خوزستان اشاره می‌کنم. در آبادان، بهبهان، دزفول و دیگر شهرهای خوزستان راهپیمایی صورت گرفته بود.

در اهواز بیش از ده هزار کارگر و کارمند صنایع فولاد در اعتصاب بسر میبردند. در نهم اردیبهشت ۶۰۰ نفر از کارگران باغبانی و تنظیفات شرکت نفت اقدام به اعتصاب کردند. در ۲۳ خرداد، اعتصاب کارگران اداره برق و اعتصاب ۷ هزار نفر کارگران کشت و صنعت کارون و بالاخره اعتصاب چندین هزار نفر کارگران صنایع نفت جنوب در شرکت سهامی خدمات کنسرسیوم شرکت ملی نفت، شرکت ملی پخش و خطوط لوله و شرکت ملی گاز، با ۱۵ مرد خواسته‌های رفاهی و اقتصادی و برکناری دکتر سهرابیان از سمت ریاست بیمارستانهای شرکت نفت و برکناری آذریان از ریاست روابط صنعتی شرکت نفت آغاز شد.

در هفدهم اردیبهشت چهل بزرگداشت قتل عام مردم تبریز توسط نظامیان سلطنت، بهبهان و اهواز گلوله باران شد و تعدادی از مردم کشته شدند. این گلوله بارانها در ۲۶ اردیبهشت در اهواز، ۱۵ خرداد در آبادان، ۲۰ تیر در آبادان، ۲۲ مرداد در آبادان و بهبهان و بالاخره با فاجعه سینما رکس در ۲۸ مرداد به اوج خود رسید. دوم مهرماه یکهزار نفر از کارمندان پالایشگاه آبادان با اعلام خواسته‌های صنفی يك مهلت کوتاه مدت به مسئولین دادند.

کارگران سازمان تعاون مصرف صنعت نفت در آبادان در هفته اول مهر دست به اعتصاب زدند. کارگران جایگاه‌های فروش بنزین در اهواز نیز در همین هفته به اعتصابیون پیوستند. پنجم مهر ده هزار نفر از کارگران نفت مشغول در جزیره خارگ دست از کار کشیدند. با پیوستن یازده هزار کارگر پالایشگاه آبادان به اعتصاب، با اعلام ۱۵ خواسته همراه با اعتصاب کارمندان که يك هفته قبل التیماتوم داده بودند، اختلال جدی در کار تولید پالایشگاه ۶۵۰ هزار بشکه‌ای نفت بوجود آمد. اعتصاب چهار هزار نفر از کارگران بیش از ۱۲ شرکت حفاری و تکمیل چاههای نفت در دهم مهرماه این حرکت را کامل کرد.

رژیم سلطنت با اعزام نیروهای متخصص نظامی به خارگ و مستقر نمودن نظامیان در پالایشگاه و مناطق نفت خیز در صدد شکستن اعتصاب برآمد. ۵ مورد از ۱۶ مورد خواسته‌ها را پذیرفت. با برکنار نمودن دکتر تهرانیان و آذریان از سمت‌های خود، پس از ده روز اعتصاب، کارکنان به کار خود بازگشتند.

در ۲۴ مهرماه تراکتی از طرف بخشی از کارمندان در اداره مرکزی نفت در اهواز توزیع شد. در روز

۲۶ مهر کارمندان دست به اعتصاب زدند. خیلی سریع کارمندان سایر ادارات به آنها پیوستند. نقص بزرگ اعتصاب عدم شرکت کارگران در آن بود و کارمندان بدرستی می دانستند که بدون پیوستن کارگران به اعتصاب امکان پیروزی وجود ندارد. با توجه به کارشکنی و اعتصاب شکنی کارمندان در مقطع اعتصاب کارگران و کارکردن آنها بجای کارگران در آن موقع رنجشی از این بابت در میان کارگران وجود داشت. جاسوسان و عوامل سرسپرده رژیم این مسئله را عمده کرده و در میان کارگران توسعه می دادند. اما پس از يك هفته با نفی این دسیسه رژیم از طرف کارگران و اعلام همبستگی با آنها و آمادگی برای تدوین يك قطعنامه و حرکت مشترك مبارزه نفتگران وارد فاز جدیدی شد. در اولین هفته آبان ماه با اتحاد نفتگران در جنوب و پیوستن به اعتصاب تولید نفت به کمتر از نصف رسید.

پذیرش خواسته‌های صنفی از طرف رژیم و اعلام ۵ مورد خواسته سیاسی با هماهنگی نفتگران در شمال کشور، سپهبد جعفریان جلاد و سگ دست آموز شاه مسئولیت استانداری خوزستان را بعهده گرفت. نظامیان را در محیط نفت مستقر نمود. دستگیری‌ها شروع شد و کشتار در شهر افزایش یافت.

در ۱۲ آبان از هاری بسر کار آمد. شاه با زیر پا گذاشتن همه وعده ها که "شنیدن صدای انقلاب بود، جنگ تا آخر را با ملت شروع کرد. رژیم سیاست مذاکره جهت بدست آوردن زمان را در پیش گرفت. نمایندگان اعتصابیون برای مذاکره با مجلس به تهران رفتند. یکروز بعد از کشتار فجیح دانشجویان در دانشگاه تهران در ۱۲ آبان، در يك جلسه طولانی با کمیسیون اصل ۹۰ مجلس طی يك مصاحبه رادیو و تلویزیونی که هرگز پخش نشد، نمایندگان ضمن تأکید بر خواسته های قبلی، کشتار فجیح دانشجویان را توسط نیروهای نظامی سلطنت محکوم کردند. با اعلام پذیرش همه خواسته ها از طرف استانداری خوزستان، منتخبین نفتگران تصمیم گرفتند برای تجدید قوا و سازماندهی حرکت نهایی، بطور موقت پایان اعتصاب را اعلام کنند. و در سوم آذر که تولید چهار پنجم میزان معمولی بود به حالت عادی بازگشت.

تدارک برای دوره بعدی اعتصاب از اول آذر شروع شد. يك کمیته مخفی متشکل از ۱۴ نماینده بوجود آمد. نقاط ضعف دو حرکت اول مورد بررسی قرار گرفت. کمیته متشکل از نمایندگان کارگران و کارمندان این حربه تفرقه رژیم را خنثی نمود. خبر نامه و نشریه کارکنان صنعت نفت ارتباط با نفتگران را مستحکم نمود. کارگران و کارمندان که مسئولیت پستهای کلیدی را داشتند در مکانهای امن جا داده شدند. سه کمیته تشکیل شد. کمیته مالی جهت رفع مایحتاج کارکنان، کمیته ارتباطات

جهت ارتباط با نفتگران و کمیته ای جهت ارتباط با سایر اقشار و محیط های کارگری از جمله دانشگاهیان، سازمان آب و برق، رادیو و تلویزیون، راه آهن و فرهنگیان بوجود آمد.

در ۱۱ آذر ماه سال ۵۷ با فراخوان اعتصاب از طرف کمیته مخفی و با راهپیمایی و شعار، از بهر ملك و ملت، ما شیر نفتو بستیم. تا مرگ شاه خائن، در اعتصاب هستیم" حرکت نهایی و شکوهمند نفتگران خوزستان، سراسر مناطق نفت و فلات قاره را در برگرفت. پس از ۴۸ ساعت در ۱۲ آذر ماه تولید ۶ میلیون بشکه ای نفت به صفر رسید.

کشتار در مناطق نفت خیز و سراسر کشور افزایش یافت و هر روز مردم را به گلوله می بستند. تحویل نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی قطع گردید. نفتکشهایی که قصد بارگیری نفت برای این دو کشور داشتند شناسایی و همراه با اسم خائینی که با رژیم همکاری می کردند در خوزستان اعلام شد. حدود ۲ میلیون و پانصد و پنجاه هزار تومان کمک مالی از دانشگاهیان گرفته شد. بعلت عدم تکاپوی این کمک بازاریان کمکهای مالی خود را به نفتگران شروع کردند. بخاطر اعلام پشتیبانی مردم در سراسر کشور از مبارزات نفتگران. تهدیدهای ازهارای مبنی بر قطع دستمزدها اثری نداشت.

نمایندگان کمیته ضمن شرکت در گردهماییهای شهرهای مختلف و سخرانی در این مراسم به جمع آوری کمکهای مالی بخصوص در مشهد و تهران پرداختند. شریعتمداری، مرعشی و گلپایگانی با توجه به مراجعه نفتگران برای حمایت از حرکتشان از این کار امتناع کردند. (۱)

#### پیروزی بر رژیم سلطنتی شاه

قبل از آمدن خمینی به ایران، نطفه‌های اولیه شوراهای نفت پی ریزی شد. منتخبین کمیته‌های مخفی اعتصاب، طی جلساتی به این نتیجه رسیدند که برای اداره امور صنعت نفت، گاز و پتروشیمی با توجه به خلأ قدرت احتیاج به سازماندهی جدیدی است که امور صنعت نفت مشخصاً تحت نظر منتخبین کارکنان به پیش رود. چرا که مدیران و متصدیان انتصابی رژیم که در رأس کارها بودند با کمیته همکاری نمی کردند و مشکلات زیادی تاکنون برایشان بوجود آورده بودند. لذا تصمیم گرفته شد که پایه ریزی شوراها از پائین و از قسمت‌های مختلف شروع، به سطح هر محیط کاری ارتقاء یافته و منتخبین محیط‌های کاری پس از يك مجمع عمومی شوراهاى سراسرى کارکنان صنعت نفت را سامان دهند. در مناطق مختلف نفت، گاز پتروشیمی هر بخش منتخبین شوراهاى خود را انتخاب کردند. ولی حرکت سریع و خیزش مردم برای سرنگونی رژیم پویشالی سلطنت آنچنان بسرعت به پیش می رفت که همواره حرکت‌های دیگر را به عقب می انداخت و تحت تأثیر قرار می داد. بنابراین تا مقطع پیروزی انقلاب شوراها فقط در سطح استان‌ها سازماندهی شدند. اما برای تصمیمات کلی ارتباطها

وجود داشت و در مورد لازم جلسات جمعی برگزار می شد.

اولین حرکت شوراها قبل از آمدن خمینی به ایران، ارسال دعوت‌نامه‌ای از طرف شورا برای تمامی زندانیان سیاسی دوران سلطنت پهلوی و بازگشت آنها به کار بود. طی يك برنامه در سالن اجتماعات پالایشگاه تهران و با حضور هزاران نفر از کارکنان و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی مراسم باشکوهی برگزار گردید که تعدادی از زندانیان سیاسی و هم چنین چند نفر از مسئولین شورای انقلاب در این جلسه سخنرانی کردند. حکم پرداخت مزد زمان اسارت زندانیان سیاسی از طرف شورا صادر شد و دستمزد مدت زندانی به آنها پرداخت گردید. طی حکم شورا تمامی کارکنان شرکتهای حفاری بین المللی به استخدام رسمی صنعت نفت در آمدند. جایگزینی پست‌های مهم صنعت نفت از منتخبین شوراها بجای انتصابیون گذشته از حرکت بعدی شوراها بود. استخدام و اخراج و افزایش مزد، استخراج و اکتشاف و بهره برداری، صادرات و در يك کلام کلیه امور نفت توسط منتخبین شوراها به پیش برده می شد.

پس از سرنگونی رژیم سلطنت و طی ماه‌های اولیه سال ۵۸ شوراهاى سراسرى کارکنان نفت سازمان داده شد و در مجمع عمومی اساسنامه‌ای برای پیشبرد امور شوراها به تصویب جمع رسید. روال عادی کار شوراها در محیط کاری برای سرو سامان دادن به پیشبرد امور در دستور کار قرار گرفت. محاکمه ساواکیها و افراد ضدکارگر، جایگزینی منتخبین شوراها بجای مدیران و مسئولین انتصابی گذشته، افزایش دستمزدها و ترفیع شغل‌ها، وضعیت کارگران پیمانی و قرار دادی و... منتخبین شوراها را بخود مشغول کرد که این برنامه‌ها تا شروع جنگ در همه مناطق صنعت نفت ادامه داشت. جنگ کل حرکت شوراهاى نفت را تحت تأثیر قرار داد و آنها را به ضعف واقعی کشاند.

#### شکل گیری تشکلات تاکنونی نفتگران

۱ - ایجاد سندیکا در سال ۵۵ و فعالیت جهت همبستگی مجدد کارگران پس از ضربه سال ۵۲

۲ - ایجاد سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت پس از پیوستن کارمندان به اعتصاب.

۳ - سازماندهی کمیته‌های مخفی اعتصاب در مناطق نفتی و انتخاب نمایندگان این کمیته‌ها.

۴ - پی ریزی و سازماندهی اولیه شوراها در بخشهای مجزای مناطق نفت.

۵ - سازماندهی شوراهاى سراسرى کارکنان وزارت نفت پس از پیروزی انقلاب.

و در نهایت اعلام انحلال شوراها در اواخر سال ۶۰ از طرف غرضی وزیر نفت و احمد توکلی وزیر کار، دستگیری، اخراج، زندان و اعدام چند نفر از فعالین شوراها و تصفیه مناطق نفتی از فعالین توسط انجمن های اسلامی و سردمداران جدید خانه کارگر رژیم.

علل شکست اعتصاب نفتگران جنوب، اول تا دهم مهرماه

- ۱ - عدم همکاری متخصصان و مدیران با سایر کارکنان.
- ۲ - ایجاد دو دستگی در میان کارگران و کارمندان.
- ۳ - ضعف سازماندهی حرکت از طرف فعالین.
- ۴ - شروع حرکت خود بخودی و بی برنامه کارکنان.
- ۶ - فشار نیروهای نظامی و جایگزینی متخصصین نظامی در پست های کلیدی و همکاری مدیران با آنها.

علل خاموشی حرکت دوم نفتگران جنوب، ۱۶ مهر تا ۱۲ آبان

- ۱- عدم سازماندهی برای يك مبارزه طولانی از طرف فعالین.
- ۲- تضعیف بنیه مالی کارکنان.
- ۳- عدم وجود کمیته‌های مالی و ارتباطات جهت ارتباط گیری با کارکنان و سایر اقشار.
- ۴- تجدید سازماندهی بخاطر برطرف کردن ضعف‌ها و اعلام پایان اعتصاب از طرف منتخبین کارکنان.

ضعف های اساسی جنبش نفتگران در انقلاب ۱۳۵۷

- ۱- عدم وجود حزب طبقه کارگر و يك دید طبقاتی مسلط در سطح کل جنبش مبارزاتی نفتگران. در مقطع انقلاب، احزاب، سازمان‌ها و نهادهای سیاسی متفاوتی اعلام موجودیت کردند. که می توان گفت برنامه اکثریت آنها در راستای پیشبرد اهداف طبقاتی کارگران و زحمتکشان جامعه نبود. بدتر از این کارگران سوسیالیست نیز برای ایجاد حزب سوسیالیستی متعلق به خود هیچ اقدام مشخصی را در دستور کار خویش قرار ندادند.
- ۲ - عدم توجه به کسب قدرت و حاکمیت سیاسی. تا يك سال پس از سرنگونی رژیم شاه توازن قوای موجود در جامعه این امکان را می داد که کارگران همراه با دیگر تهیدستان جامعه ب فکر اعمال نوعی از اتوریتیه خود بر جامعه برآیند. چرا که در آن زمان شورای سربازان و دهقانان بشکل فعال در جامعه وجود داشت. ولی در مورد ارتباط گیری با این شوراها و ایجاد يك حرکت سازمان یافته هیچ گونه دید و برنامه ای مشخصی وجود نداشت. از طرف دیگر تبلیغ گروههای سیاسی درمورد ضد امپریالیست قلمداد کردن مُلاها و تن دادن به حاکمیت سیاسی آنها باعث سردرگمی سیاسی در میان کارگران شده بود.
- ۲- محصور و محدود ماندن حرکت و فعالیت در چارچوب صنعت نفت. در سال ۵۸ تمامی نیروی

شوراها صرف سازماندهی درون کارخانجات و رفع و رجوع مسائل محیط کار گردید. از این رو هیچ توجه خاصی به بیرون از صنعت نفت و حرکت درون جامعه نشد. در مقطعی هم که نفتگران بر محیط کار مسلط شدند، جنگ شروع شد و مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار داد.

۴- عدم ارتباط گیری فعالین نفت با سایر بخشهای کارگری جهت ایجاد يك تشکل سراسری در سطح کشور. با توجه به پذیرش نفتگران بعنوان يك نیروی مبارز از طرف سایر بخشهای کارگری و جامعه، در آن مقطع کارکنان نفت می‌توانستند ضمن ارتباط با سایر بخشهای کارگری برای ایجاد شورای سراسری کارگران اقداماتی را انجام دهند. اما متأسفانه بخاطر خود محور بینی و بی توجهی به سایر بخشهای کارگری، فعالیت کارکنان نفت در محدوده صنعت باقی ماند و هیچ اقدامی در این جهت صورت نگرفت.

۵- مقدم شمردن منافع گروهی و فرقه ای بر منافع طبقاتی. با توجه به بی برنامه‌گی پیشروان کارگری برای ایجاد يك وحدت طبقاتی در میان کارگران، اکثر آنها به سازمان‌ها و نهادهای سیاسی موجود در جامعه پیوستند. دنباله رو جریانات غیر کارگری شده و مبلغ برنامه آنها در محیطهای کاری گردیدند. که این مسئله باعث ایجاد تفرقه و چند دسته‌گی در میان کارگران شد و شوراها را به ضعف کشاند.

۶ - عدم وجود يك صندوق مالی با توجه به بلوکه کردن حساب سندیکاها از طرف رژیم سلطنتی. منتخبین سندیکاها و کمیته‌های مخفی با برنامه ریزی قبلی و پیش بینی چنین مسئله‌ای قادر بودند تمامی مبلغ موجود سندیکاها را از بانک خارج کرده و در جای امنی قرار دهند. تا در مواقع لازم از آن استفاده کنند.

۷ - عدم اتکاء منتخبین به کمکهای مردمی با توجه به افتتاح حساب جدید. منتخبین کمیته‌ها می‌توانستند با حضور در جمع‌های مختلف و تبلیغ لازم، از افشار مختلف مردم تقاضای کمک مالی کنند. گرچه در دو شهر این موضوع پیش رفت ولی در این مورد کم کاری مفروطی وجود داشت.

۸ - مراجعه مسئولین کمیته‌های مخفی به بازاریان برای گرفتن کمک مالی. گرچه در آن موقعیت امکان جمع آوری کمک مالی برای رفع نیاز کارکنان از منابع دیگر کمتر وجود داشت. اما این امکان بود که بجای مراجعه به يك تشکل مشخص، روی گرفتن کمک مالی از افراد تکیه می‌شد. گرفتن کمک مالی از بازاریان سرچشمه انحراف اساسی نفتگران و باعث وابستگی آنها به این قشر گردید. زیرا از طرف بازاریان فردی برای شرکت در جلسات و تصمیم گیریها معرفی شد و همین موضوع باعث گردید که ناخواسته حرکت نفتگران به دستور گرفتن از زیر درخت سیب فرانسه و خمینی و شورای انقلاب منجر

شود.

۹ - عدم تلاش کافی و لازم نفتگران برای برطرف کردن هرچه سریع‌تر اختلاف مصنوعی که بین کارگران و کارمندان وجود داشت و باعث تضعیف حرکت آنها شده بود.

۱۰ - عدم دقت کافی کارکنان در انتخاب نمایندگان در کمیته‌های مخفی. انتخاب دو فرد مذهبی با توجه به اطلاعات آنها از مسائل درونی کمیته‌ها باعث مشکلات فراوانی در امر تشکیل یابی، ایجاد اختلاف بین فعالین کارگری، دستگیری و اخراج فعالین گردید.

و در انتها می‌توان به وجود جنگ اشاره داشت. با شروع جنگ و بمباران مناطق نفتی جنوب، کارکنان نفت با رها کردن منازل و تمامی زندگی خود با پای پیاده آواره شهرهای دیگر شدند. جنبش نفتگران بخاطر از دست دادن پایگاه اصلی و ستاد مبارزاتی خود در جنوب به ضعف کشیده شد. رژیم با تمامی توان از حربه جنگ برای سرکوب حرکت شوراها استفاده کامل کرد. به قول خمینی "جنگ نعمتی الهی برای رژیم" شد و مصیبت واقعی برای کارگران و زحمتکشان کشور. تعداد زیادی از فعالین شوراهای مناطق نفتی را اخراج، زندان و گروهی را نیز به جوخه‌های اعدام سپردند. شوراهای برآمده از انقلاب را منحل کردند. تمامی منتخبین شوراها را که در رأس امور قرار گرفته بودند از کار برکنار و افراد وابسته به حزب جمهوری و انجمن‌های اسلامی را بجای آنها منتصب کردند. بنابراین جدا شدن بخش اساسی نفتگران از پایگاه تولید و رها شدن آنها در شهرستانها بخاطر جنگ و وجود ضعف‌های مذکور در بالا را می‌توان از دلایل اساسی شکست شوراهای نفتگران دانست. چرا که در غیر این صورت رژیم قادر به فرونشاندن حرکت شوراها به این سهولت نبود.

توضیح ۱ - (بخشی از آمار جنوب، برگرفته از دست‌نوشته نفتگران در انقلاب است)